

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان

نسرین شکیبی ممتاز^{1*}، مریم حسینی²

(تاریخ دریافت: 92/4/25، تاریخ پذیرش: 92/7/16)

چکیده

در بسیاری از داستان‌های اساطیری، روایت‌های عامیانه و قصه‌های پریان، تولد قهرمان ابعاد اسطوره‌ای و افسانه‌ای چشمگیری دارد. زمینه‌های تولد قهرمان و چگونگی آن‌ها بر زندگی پسین او اثر می‌گذارد و موجب شگفتی‌های بسیار در آینده‌اش می‌شود. در بیشتر داستان‌هایی که خویشتکاری تولد در آن‌ها برجسته است، موانعی در تولد قهرمان پدید می‌آید که کهولت والدین یا ناتوانی آنان برای داشتن فرزند از جمله آن‌هاست. نکته درخور توجه در این دسته از داستان‌ها این است که کودک باوجود موانع بسیار به دنیا می‌آید و پس از زندگی مخاطره‌آمیز و شگفت‌انگیز به مقام قهرمانی می‌رسد. این پژوهش به بررسی تولد قهرمان به‌عنوان یکی از بن‌مایه‌های رایج داستان‌های اسطوره‌ای و عامیانه می‌پردازد. هدف این مقاله، تحلیل روان‌شناختی تولد قهرمان و طبقه‌بندی انواع حکایت‌ها براساس نوع تولد وی در قصه‌هاست. شیوه تحقیق تحلیلی - توصیفی است. براساس نتیجه پژوهش، انواع خویشتکاری تولد در این

* nasrinsakibi@yahoo.com

1. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا

2. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا

دسته‌ها جای می‌گیرد: تولد بدون منشأ پدر و مادر، تولد با یک منشأ (پدر یا مادر)، ازدواج پادشاه با دختری خاص (گاه پری) برای تولد قهرمان، تولد قهرمان در زمان کهولت پدر و شرط خوردن سیب برای باروری مادر.

واژه‌های کلیدی: قهرمان، تولد قهرمان، اسطوره، افسانه، داستان‌های عامیانه.

1. مقدمه

هنوز ملاک‌های معین و روشنی برای تشخیص و تمایز انواع داستان‌ها مانند اسطوره¹، افسانه² و قصه³ وجود ندارد. از زمان‌های کهن تا به امروز، به داستانی که درباره خدایان یا موجودات الوهی باشد و مردم به حقیقی بودن آن اعتقاد داشته باشند، اسطوره می‌گویند. امروزه، این اصطلاح چنان با زندگی فرهنگی مردم جوامع مختلف درآمیخته که آبرامز در فرهنگ اصطلاحات ادبی می‌گوید اسطوره به واژه‌ای مهم در زندگی بشر تبدیل شده است. او معتقد است گونه‌ها و الگوهای پیرنگ بسیاری از آثار ادبی از جمله آثاری که در ظاهر کاملاً فرهیخته و رئالیستی‌اند، تکرار سنت‌ها و قواعد اصلی اسطوره‌ها هستند (آبرامز و هرتم، 1387: 259).

برونیسلاو مالینوفسکی⁴ (1962: 178) در مقاله‌ای با عنوان «اسطوره در روان‌شناسی انسان‌های بدوی»⁵ بر آن است که با مطالعه اسطوره در واقعیت زنده خود، آشکار می‌شود که اسطوره در حکم احیای واقعیتی کهن در قالب نقل و روایت است که هدفش ارضای نیازهای عمیق دینی و اخلاقی و جانبداری از خواست‌های اجتماعی و حتی کمک به تحقق واجبات عملی در زندگی است. او در جایی دیگر از مقاله می‌گوید اسطوره نه فقط شرح و تفسیر برخی داده‌هاست؛ بلکه در حکم ضامن آن داده‌ها و نوعی منشور هم است که اغلب به منزله راهنمای عملی فعالیت‌ها تلقی می‌شود که موضوع اسطوره است. به زعم او، آیین‌ها، مراسم، تشریفات، و آداب و تشکیلات اجتماعی اغلب ارجاعاتی مستقیم به اسطوره دارند و از آثار و نتایج آموزه‌های اساطیری به‌شمار می‌روند (Ibid, 183).

چنانچه قهرمان اسطوره یک شخص باشد نه موجودی فراطبیعی، معمولاً این داستان کهن را «افسانه» می‌نامند. افسانه قصه‌ای درباره مردمان عادی، قهرمانان خیالی و گاه تاریخی است

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

که هرچند بیشتر پایه واقعی و تاریخی دارد، با شاخ و برگ‌های خیالی درآمیخته است. اگر داستان کهن به موجودات فراطبیعی‌ای پردازد که در زمره خدایان نیستند و داستان بخشی از یک مجموعه اساطیر نظام‌یافته نباشد، آن را «قصه عامیانه» به‌شمار می‌آوریم (آبرامز و هرفم، 1387: 257). قصه عامیانه روایت کوتاهی در قالب نثر است که نویسنده‌اش نامشخص است و به‌صورت سینه‌به‌سینه نقل می‌شود (همان، 159). اما «قصه‌های پریان» درباره پریان، جن‌ها، غول‌ها، دیوها، جادوگران و دیگر موجودات خیالی است که حوادث شگفت‌آور می‌آفرینند که خود، بخشی از ادبیات عامه شمرده می‌شود. در اسطوره، حماسه و افسانه‌ها و قصه‌های ملل، قهرمان شخصیتی مشهور است که یا خود خداست، یا برکرده خدایان است، یا در مواردی حاصل آمیزش یکی از ایزدان و ایزدبانوان یا شاه و ملکه‌ای خاص است. افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان بازمانده روایت‌های شفاهی‌اند که به‌گونه‌ای برخاسته از اسطوره‌ها و آیین‌های اولیه هستند. در این قبیل روایت‌ها، محوریت قهرمان بر حوادث قصه و کنش‌های داستانی اثر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها را در سه رویکرد مشخص می‌توان بررسی کرد: تولد قهرمان، تلاش او برای رسیدن به امر مطلوب و چگونگی مرگ قهرمان. این مطلب بدان معنا نیست که در تمام قصه‌ها و داستان‌های یادشده می‌توان این رویکردهای سه‌گانه را به‌وضوح مشاهده کرد؛ اما می‌توان ادعا کرد تمام آن‌ها حول محور تولد قهرمان و نحوه پیدایش او می‌گردد.

2. تولد قهرمان در دنیای اسطوره

قهرمان اسطوره با ویژگی‌هایی خاص و در موقعیتی منحصربه‌فرد تولدی اسطوره‌ای دارد و بار سنگینی از نمادهای اساطیری و کهن‌نمونه‌های نخستین را به‌دوش می‌کشد. با نگاهی به این الگوها و بررسی موقعیت‌های نمادین و مشترک میان نمونه‌های تولد قهرمانان در اسطوره‌ها به این نتیجه کلی دست می‌یابیم که همواره یک خدا و الهه، شاه و ملکه یا والدینی از نژاد و موقعیت اجتماعی برتر برای به‌دنیا آوردن کودکی انتخاب می‌شوند؛ بنابراین قهرمان در جهت تبیین اهداف اسطوره، تولدی ازپیش تعیین‌شده و الگومند دارد. در این میان، یک خواب معنادار یا پیشگویی تعیین‌کننده سرنوشت جنین را به‌سمتی سوق می‌دهد که چشم‌اندازهای اسطوره

خواهان آن است. به عبارت دیگر، معنای این خواب و تفسیر پیشگویی غیگو احساس خطری در پدر یا پدربزرگ پدید می‌آورد که در آن، تهدید به مرگ یا نابودی قدرت او وجود دارد. از این رو، برای جلوگیری از وقوع فاجعه‌ای که در خواب دیده شده است، کودک به‌طور پنهانی به دنیا می‌آید و مادر او را به آب یا کوه می‌سپرد و به این ترتیب، مجالی برای تحقق آرمان‌های اسطوره فراهم می‌شود. او به‌وسیله حیوانات یا مردمی فقیر نجات می‌یابد، پرورش پیدا می‌کند و پس از آگاهی از هویت اصلی‌اش، در فرایندی نظام‌مند نزد خانواده‌اش باز می‌گردد. در موارد متعددی نیز از پدر یا پدربزرگ انتقام می‌گیرد و به جایگاه شایسته‌اش دست می‌یابد.

تمام قهرمانان اسطوره‌ای در چارچوب الگویی که به آن عمل می‌کنند، در کودکی با جدایی ناگزیر از پدر و مادر روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا به‌گفته جوزف کمپل (1389: 324) در کتاب *قهرمان هزارچهره*⁶، این قهرمانان از بدو تولد دارای نیروی ذاتی و خلاق جهان طبیعی هستند. در واقع، از لحظه تولد قهرمان یا از لحظه‌ای که در زهدان مادر جای می‌گیرد، نیروهای شگفت و خارق‌العاده‌ای به او عطا می‌شود و سراسر زندگی‌اش به‌صورت نمایشی باشکوه از معجزات تصویر می‌شود که نقطه اوجش ماجرای بزرگ و مرکزی آن است. کمپل با این تمهید بر آن است که قهرمان از پیش تعیین می‌شود؛ بنابراین قهرمانی عملی غیراکتسابی قلمداد می‌شود (همان‌جا). به‌حقیقت پیوستن چنین تولدی باعث می‌شود قهرمان از مسیر سنت خانوادگی‌اش خارج شود و با تکیه بر نیروهای ذاتی و درونی‌اش، خود قدم در راهی نو بگذارد؛ بنابراین تربیت او خارج از سنت خانواده صورت می‌گیرد و براساس اصول قهرمانی ذاتی‌اش پرورش می‌یابد.

ساختار درونی این قصه‌ها با محوریت قهرمان - مانند اسطوره‌ها - به‌ظاهر فاقد معنایی منطقی یا جدی است؛ اما با در نظر گرفتن ویژگی جهانی‌بودن و ظهور پیوسته آن‌ها در سراسر جهان، دیگر نمی‌توان آن‌ها را به یک اتفاق خیالی و ساده فروکاست. به این ترتیب، همچنان‌که جهانی‌بودن اسطوره‌ها از یک سو به آن‌ها عمومیت می‌بخشد، از سوی دیگر امکان تأویل‌های دیگری مانند خوانش روان‌شناختی داستان‌ها و بررسی موقعیت شخصیت‌ها از این دیدگاه فراهم می‌آید. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، مطالعه و بررسی مقوله تولد قهرمان از حیث اسطوره، دستورالعمل‌ها و الگوهای مشترک و یکسانی درباره عملکرد او در این حوزه به‌دست می‌دهد. تولد آیینی کودک، رشد او در بستری از شاخصه‌های نمادین و بازگشت به

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

رستنگاه نخستین، بسیار مورد توجه اسطوره‌پژوهان، روان‌کاوان و همچنین پردازندگان به روان‌شناسی اسطوره بوده است.

3. بررسی رویکردهای روان‌شناختی به مسئله تولد قهرمان

زیگموند فروید با هم‌تراز دانستن اسطوره‌ها و رؤیاها، اسطوره‌های زیادی را بررسی کرده است؛ اما تحلیل اصلی خود را از مهم‌ترین اسطوره، یعنی اسطوره «ادیپوس» به‌نحو فراخوری در کتاب *تفسیر رؤیاها*⁷ مطرح می‌کند. او در این کتاب، ارتباط این قصه را با دو خوابی که درباره مرگ پدر و ازدواج با مادر دیده می‌شود، تفسیر و تأویل می‌کند. به‌نظر فروید، اگر ادیپوس شهریار خواننده مدرن را کمتر از خواننده یونانی آن زمان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، فقط به این دلیل است که تأثیر تراژدی یونانی را نباید در تضاد میان تقدیر و اراده آزاد آدمی جست؛ بلکه باید در طبیعت خاص او جست‌وجو کرد که در آن، این تضاد متبلور می‌شود (فروید، 1385: 281). داستان ادیپوس در سطح آشکار، داستان قهرمانی را روایت می‌کند که بیهوده می‌کوشد تا از تقدیر محتومش بگریزد. اما در سطح پنهان، ادیپوس همان چیزی را می‌خواهد که در سطح آشکار تلاش می‌کند بیش از همه از آن دوری کند. او می‌خواهد عقده ادیپس را تجربه کند. سطح آشکار اسطوره سطح پنهان یا همان معنای نمادینش را مخفی می‌کند. او در سطح آشکار، قربانی تقدیر و در سطح پنهان، جنایتکار است. این اسطوره - اگر درست فهمیده شود - ناکامی ادیپوس در گریختن از تقدیر محتوم را ترسیم نمی‌کند؛ بلکه کامیابی او را در ارضای دست‌نیافتنی‌ترین غرایزش به‌تصویر می‌کشد.⁸

ادوارد تایلور⁹ به اسطوره‌های خدایان توجهی ندارد. او تمام توجه خود را به اسطوره‌های قهرمانی معطوف کرده است. تایلور برآن است که در تعداد چشمگیری از اسطوره‌های قهرمانی، قهرمان متولد می‌شود، با کمک انسان‌ها و حیوانات دیگر نجات و پرورش می‌یابد و درنهایت به قهرمان ملی تبدیل می‌شود. تایلور (1871: 1/ 282) در *فرهنگ بدوی*¹⁰ برآن بود تا با این کار به الگوهای مشترکی از قهرمانان مختلف دست یابد و نظریه خود را درباره خاستگاه، کارکرد و موضوع اسطوره‌ها روشن کند. او همواره به یکسان بودن این الگو نظر دارد تا ادعا کند که مبدأ، کارکرد یا موضوع اسطوره‌های قهرمان - هرچه باشد - باید لزوماً در تمام

اسطوره‌های قهرمانان یکی باشد تا یکنواختی را در پیرنگ توجیه کند. به‌زعم او، چنانچه اسطوره‌های مشابه از نواحی مختلف را در نظر بگیریم و آن‌ها را در گروه‌های بزرگ‌تری برای مقایسه کردن قرار دهیم، در این صورت، در اسطوره‌ها نشانه‌های عملکرد فرایندهای تخیل را می‌یابیم که همراه با نظم آشکار قانون ذهنی تکرار می‌شود. دلاشو (1386: 124) نیز در کتاب *زبان رمزی افسانه‌ها*، نیروی تخیل را آفریننده افسانه‌ها دانسته و منشأ بسیاری از حماسه‌های مهم مانند *ایلیاد* و منظومه *رولان* را قدرت بی‌بدیل تخیل برشمرده است.

از نظر تایلور، خاستگاه اسطوره قوه خیال است و این منشأ همان است که اتور رانک،¹¹ روان‌پزشک مشهور اتریشی، در کتاب *اسطوره تولد قهرمان*¹² نیز به آن اشاره می‌کند. به نظر رانک (8: 2011)، اسطوره‌ها ساختارهایی از قوه ذهنی و تخیلات انسانی هستند که در بعضی از موارد براساس برخی دلایل آسمانی پیش‌بینی شده‌اند و محتمل است در مراحل بعدی به شکل جسم‌های آسمانی - با پدیده‌های مبهمشان - درآمده باشند.

کارل گوستاو یونگ نیز مانند فروید اسطوره را هم‌ردیف رؤیاها می‌داند؛ اما برخلاف فروید و رانک، قهرمانی را به نیمه نخست زندگی محدود نمی‌کند. غایت نیمه دوم زندگی - که فقط نزد یونگ موضوعیت دارد - آگاهی¹³ از ناخودآگاه¹⁴ است. مقوله تولد قهرمان در آرای یونگ، در مقایسه با نظریه‌های فروید و رانک، کمتر مطرح شده است؛ زیرا او با تعریف قهرمان و چارچوب اعمال قهرمانی در فرایندی موسوم به «فردانیت»¹⁵ بیشتر به مسئله «تولد دوباره»¹⁶ توجه دارد که پس از گذراندن مراحل خاص به‌دست می‌آید. از نظر او، قهرمان تولدی معجزه‌آسا و ساده و قدرتی فوق‌العاده‌ای دارد که باعث ترقی او در جامعه می‌شود. او درحالی‌که دارای خطاهای انسانی مانند غرور است، با بدی‌ها می‌جنگد و سرانجام به‌وسیله نوعی خیانت می‌میرد (اسنودن، 1389: 104). این داستان قهرمانی مربوط به رشد افراد و کوشش ایشان در استقرار هویتشان است. از نظر یونگ، قهرمان تمام قصه‌ها نماینده خودآگاهی تدریجی و کوشش‌های او برای رشد و تکامل است.

4. تولد قهرمان در افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان

ولادیمیر پراپ در کتاب *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان* مرزبندی مشخصی میان اسطوره و قصه‌های پریان برقرار کرده است. به‌زعم او، اسطوره مقوله‌ای تاریخی است که تاریخی

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

طولانی‌تر از قصه‌های پریان دارد. او بنیاد قصه‌های پریان را خیال‌پردازی‌های شاعرانه می‌داند و بر آن است که در اغلب آن‌ها واقعیت تحریف شده است. اما درمقابل، برای اسطوره ارزش قدسی قائل است که نه تنها راست انگاشته می‌شود؛ بلکه به بیان عقیده و ایمان مردم می‌پردازد (پراپ، 1371: 128). لوی استراوس بر آن است که اسطوره‌ها و قصه‌های پریان جوهر و ماده مشترکی دارند. پراپ این سخن را می‌پذیرد و اذعان دارد که اسطوره‌ها بر همان نظام ریخت‌شناسی و ترکیبی قصه‌های پریان استوارند. گاهی اسطوره‌ها جزء به جزء با نظام ترکیبی‌ای که در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان بررسی شده است، مطابقت می‌کنند. به نظر پراپ، گاهی اسطوره و قصه‌های عامیانه یک صورت دارند؛ اما مطابقت میان اسطوره‌ها و قصه‌های پریان عام نیست. از این رو، هر جا که اسطوره‌ها و قصه‌های پریان مبتنی بر نظام واحدی باشند، اسطوره همواره کهن‌تر از قصه پریان است. پراپ به تفاوت اسطوره و قصه‌های پریان از چشم‌انداز نقش اجتماعی آن نیز اشاره می‌کند و می‌گوید این دو از این نظر با هم تفاوت دارند. نقش اجتماعی اسطوره همواره یکسان نیست و به سطح فرهنگی‌ای بستگی دارد که اسطوره در آن رایج است. اسطوره‌های اقوامی که اجتماع قبیله‌ای دارند، یک چیز است و اسطوره‌های تمدن‌های کهن که از طریق ادبیاتشان به ما رسیده‌اند، چیزی دیگر است (همان، 197). صادق هدایت (1378: 165) نیز در کتاب *فرهنگ عامیانه مردم ایران* بر این باور است که ریشه قصه‌های عامیانه را باید در باورهای اساطیری و اعتقادات جهان باستان جست‌وجو کرد.

از دیدگاه روان‌شناسی، طرفداران سستی فروید مانند برونو بتلهایم¹⁷ در کتاب *کاربرد افسانه‌ها*¹⁸ همان‌طور که رؤیاها و اسطوره‌ها را همسان می‌دانند، اسطوره‌ها و قصه‌های پریان را نیز اموری شبیه به هم در نظر می‌گیرند. بتلهایم (37: 1977) بر آن است که در اسطوره‌ها، خواسته‌های فرامن (سوپراگو) در تضاد با کنش‌های نهاد یا امیال من (اگو) برای صیانت از نفس است. اما طرفداران معاصر فروید مانند گزا روهایم¹⁹ و جاکوب آرلو²⁰ اسطوره‌ها را در تقابل با قصه‌های پریان می‌دانند. آن‌ها اغلب اسطوره‌ها را بر قصه‌های پریان ترجیح می‌دهند؛ زیرا همواره اسطوره‌ها را در خدمت من و فرامن و قصه‌های پریان را در خدمت نهاد می‌دانند. از نظر بتلهایم، فرامن اسطوره‌ای چنان انعطاف‌ناپذیر است که نمی‌توان به آن حد از بلوغ که از آن حمایت می‌کند، رسید. قصه‌های پریان نیز به اندازه اسطوره‌ها، از بلوغ دفاع می‌کنند؛ با این تفاوت که آن‌ها این کار را به نرملی و به تدریج انجام می‌دهند؛ از این رو در جایی موفق می‌شوند

که اسطوره ناکام می ماند. در اسطوره ها، قهرمانان - که اغلب خدایان هستند - فقط به دلیل استثنایی بودنشان موفق می شوند؛ درحالی که در قصه های پریان، قهرمانان انسان های معمولی هستند که موفقیتشان دیگران را به تقلید از آنها تشویق می کند. بنابراین، نزد بتلهایم اسطوره ها مانع از رشد روان شناختی می شوند؛ حال آنکه قصه های پریان آن را تقویت می کنند.

قصه های جادویی یا پریان یکی از مهم ترین انواع شناخته شده قصه ها در میان حجم انبوه آثار ادبی جهان است. این قصه ها باوجود پشتوانه های اسطوره ای - افسانه ای، از هر سه بخش دستگاه روانی یعنی نهاد، خود و فراخود سخن می گویند و راه هماهنگ کردن آنها را نشان می دهند. به اعتقاد بتلهایم، اسطوره ها و افسانه های پریان با زبان اشارت و نماد سخن می گویند که نماینده محتویات ناخودآگاه است. این نمادها هم زمان به ذهن خودآگاه و ناخودآگاه ما یعنی هر سه جنبه نام برده روان خطور می کنند (بتلهایم، بی تا: 65). فون فرانس²¹ (2: 1996) نیز قصه های پریان را کوششی برای توصیف جنبه یا جنبه هایی از ویژگی های روانی انسان می داند که در حرکتی متعادل و ازپیش تعیین شده برای رسیدن به خویشتن در تلاش اند. ازاین رو، قصه های پریان حاصل محتوای مشترک ضمیر آگاه و ناآگاه است که برای تحلیل، نیازمند بررسی نمادها و شناخت کارکرد روان شناختی آنها در بستری است که ضمیر آگاه به آنها شکل داده است. فروید این قصه ها را مانند رؤیا، انعکاس کام های وازدهای می داند که در تجربیات زیستی بشر نقش مهمی دارند. از نظر او، افسانه رؤیایی است که روایت آن در میان نسل ها دست به دست شده و عمومیت یافته است.

وی رؤیا را واکنش کام های برنیامده فردی و قصه های افسانه آمیز را محصول آرزوهای بربادرفته قومی قلمداد می کند. محور افسانه شور جنسی و موضوع آن روابط خانوادگی است. او بر این نکته اصرار دارد که خاطرات خوش و ناخوشی که انسان از افراد خانواده خود دارد، به وساطت مکانیسم فرافکنی²² صورت خارجی پیدا کرده و موجودات افسانه ای مانند غول، دیو و پری می آفریند (برفر، 1389: 30).

از آنجا که یونگ اسطوره محور²³ است و با نمادها بیش از نشانه های زبان شناسی سروکار دارد، به رویکردهای اسطوره پژوهی و روان شناختی قصه های پریان توجه خاصی دارد. در روان شناسی او، ناخودآگاهی گذشته از لایه فردی، لایه های ژرف تری از روان را نیز دربرمی گیرد که او آنها را فصل مشترک و میراث روانی همه افراد بشر می داند. یونگ زبان این روان

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

آغازین را در ساختار امروزی ذهن بازشناسی کرده و به قالب‌ها و انگاره‌هایی رسیده است که به گفته او، اندام‌های روان پیش از تاریخ ما هستند که کهن‌الگو²⁴ نامیده می‌شوند (یاوری، 1378: 46). با تمرکز یونگ بر نمادهای اسطوره‌ای و صورت‌های ازلی در رؤیا و آفرینش‌های هنری، نظم و نظامی در اغلب قصه‌های پریان پدیدار می‌شود که پیام آن به صورت درون‌مایه‌ای تکرارشونده در این قصه‌ها تکثیر می‌شود. درواقع، حرکت قهرمان قصه در قالب سفر برای رسیدن به غایتی است که از نظر یونگ، با موفقیت در گذراندن مرحله‌ای موسوم به «فرایند فردیت»²⁵ محقق می‌شود. «یونگ این فرایند را دارای سیری تدریجی دانسته که در نیمه دوم زندگانی فرد توسعه و تحول می‌یابد.» (فوردهام، 1388: 124).

ولادیمیر پراپ با رویکردی مبتنی بر ریخت‌شناسی قصه‌ها، کوچک‌ترین واحدهای آن را شناسایی و تعریف کرد؛ سپس به تجزیه و تحلیل ساختاری آن‌ها و بررسی روابطشان با یکدیگر پرداخت. بدیهی است که هسته محوری در تحقیقات او بر مدار حضور قهرمان در قصه می‌چرخد. او معتقد است در هر داستان نام قهرمان و صفات او تغییر می‌کند؛ اما خویشکاری‌هایش همچنان ثابت است؛ ازاین‌رو در یک قصه کارهای مشابه به شخصیت‌های مختلف نسبت داده می‌شود. به همین دلیل، او تأکید دارد آنچه انجام می‌شود، باید مقدم باشد بر اینکه چه کسی آن را انجام می‌دهد و چگونه انجام می‌شود (ذوالفقاری، 1389: 55). پراپ در تجزیه و تحلیل مجموعه قصه‌های پریان، در پی عناصر یا ویژگی‌های تکرارشونده (ثابت‌ها) و عناصر یا ویژگی‌های اتفاقی و پیش‌بینی‌ناپذیر (متغیر) بود. او به این نتیجه دست یافت که هرچند شخصیت‌ها یا افراد این قصه‌ها به‌ظاهر گوناگون هستند، خویشکاری‌هایشان در قصه و اهمیت کنش آن‌ها ازدیدگاه پیشرفت داستان، ثابت و پیش‌بینی‌شدنی است (پراپ، 1368: 21). بنابراین، او با تکیه بر 31 خویشکاری با تعداد و توالی یکسان، بنیاد قصه‌های پریان را می‌نماید.

در بسیاری از قصه‌ها، «وضعیت آغازین» مورد نظر پراپ زمینه مساعدی برای تولد قهرمان فراهم می‌آورد. ناگفته پیداست که این مقوله در حوزه خویشکاری‌های قهرمان نبوده و پراپ برای آن نقشی پیشینی قائل است که بر اعمال قهرمانی مقدم است. به این ترتیب، جست‌وجوگر/قهرمان یا در دسترس نیست یا هنوز زاده نشده است. او بعدها در کنش و توالی قصه به طرزی معجزه‌آسا زاده می‌شود. زاده شدن معجزه‌آسای او عنصر داستانی مهمی تلقی

می‌شود و یکی از صورت‌های ظهور و پدیداری او را در قصه رقم می‌زند. این ولادت دیگرگون معمولاً با یک پیشگویی درباره سرنوشت قهرمان همراه است (همان، 171).

در میان قهرمانان اساطیر بومی و حماسه ملی ایران، نحوه تولد کودکانی مانند فریدون، زال، کیخسرو، داراب و کوروش ابعاد اساطیری و روان‌شناختی گسترده‌ای دارد که اتو رانک در کتاب خود به تفصیل به آن‌ها پرداخته است. همان‌طور که پیش از این بیان شد، با حرکت اسطوره به سوی قصه‌های پریان و روایت‌های عامیانه، مسئله تولد ابعاد اسطوره‌ای خود را از دست داد و اعمال قهرمانی جایگزین آن شد.²⁶

از آنجا که در فرهنگ ایرانی و در بسیاری از قصه‌های پریان، داستان‌های عامیانه و روایت‌های شفاهی، شاخصه‌ها و معیارهای چشمگیری درباره تولد قهرمان وجود ندارد، اعمال قهرمانی - که اغلب در محدوده خویشکاری‌های پراپ به پیش می‌رود - از ارزش بیشتری برخوردار است. از این رو، در بسیاری از روایت‌های یادشده مسئله تولد قهرمان - همان‌طور که در خویشکاری‌های پراپ هم جایگاهی ندارد - اهمیت فرعی و ثانوی دارد. با توجه به چنین تمهیدی می‌توان گفت در بسیاری از حکایت‌های هزار و یک شب، جامع‌الحکایات و داستان‌های عامیانه همواره اعمال قهرمانی در جریان قصه یا داستان بر چگونگی تولد قهرمان می‌چربد. در این آثار، خبری از نحوه تولد و روند رشد قهرمان نیست و چنان‌که یونگ اذعان دارد، اعمال پس از دوره بلوغ یا همان نیمه دوم زندگی قهرمان در مرکز و محور داستان اهمیت پیدا می‌کند. در این قبیل داستان‌ها، وقایع پیش از تولد کودک مانند نازایی مادر یا عقیم بودن پدر، تحقق ازدواجی خاص برای به دنیا آمدن قهرمان، ازدواج پدر با دوشیزه‌ای از تبار پریان، سفر پدر برای یافتن دختری خاص جهت همسرگزینی و... مهم‌تر از تولد و چگونگی آن است. با طی شدن فرایند خاصی که بخشی از آن در الگوهای اسطوره‌ای برای به دنیا آمدن قهرمان ریشه دارد، تولدی ساده و دور از شاخصه‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره کردیم، صورت می‌گیرد. کودک مراحل رشد جسمانی و روانی خود را با کیفیتی که بر جهان قصه آشکار نیست، طی می‌کند و به سن بلوغ می‌رسد تا توانایی‌اش را برای آغاز مرحله‌ای جدید که در عین حال مهم‌ترین مرحله زندگی او است، اعلام کند. در آرای رانک، زندگی قهرمان با تولد او آغاز می‌شود؛ پس تولد عملی کاملاً قهرمانانه تلقی می‌شود. اما در بسیاری از داستان‌ها و قصه‌های ایرانی شاکله قهرمانی با ماجراجویی‌های قهرمان شکل می‌گیرد؛ بنابراین سن قهرمان

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرين شکیبی ممتاز و همکار

برای شروع کنش‌های قهرمانی در فضای قصه از سیر خطی خود خارج می‌شود و در ابعادی فراتر از زمان مادی گسترش می‌یابد. قهرمانان بررسی شده در کتاب *اسطوره تولد قهرمان* رانک همواره از خانواده‌ای سلطنتی بودند یا والدینی عالی‌رتبه داشتند؛ اما در داستان‌های مورد نظر، به‌ویژه داستان‌های عامیانه، قهرمان رتبه خانوادگی عالی یا موقعیت اجتماعی برتر ندارد. این قهرمانان گاهی با حضور والدین و در نتیجه آمیزش آنان به‌وجود می‌آیند؛ اما در مواردی با قهرمانانی روبه‌رو می‌شویم که فقط یکی از والدین در تولدشان نقش دارد. گاهی نیز قهرمان برای موجودیت و ابقا در جهان هستی به هیچ‌کدام از والدین نیازی ندارد که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

5. تولد قهرمان بدون منشأ پدر و مادر

در حوزه ادبیات عامیانه گاهی داستان‌ها و قصه‌هایی دیده می‌شود که فقط در چارچوب این ژانر ادبی قابل درک و بررسی هستند. یکی از مسائل مطرح شده در این قبیل آثار، تولد کودک در مسیری خلاف تولدهای معمول دیگر است. در مواردی، کودک در شرایطی به دنیا می‌آید که پدر و مادر هیچ نقشی در تولد او ندارند. پیرنگ این قصه‌ها و داستان‌ها - برخلاف قصه‌های پریان - بر مبنای تولد و حتی در مواردی تأکید بر چگونگی آن است. کودک از خاک و طبیعت زاده می‌شود، رشد می‌کند و از ویژگی‌هایی فراطبیعی از منظر شاخصه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی سود می‌برد.

در برخی قصه‌های عامیانه از جمله قصه «نیم‌نخودک» کودک بدون وجود پدر و مادر و ازدواج و زناشویی میان آنان، به واسطه یکی از جلوه‌های طبیعت مانند یک پدیده نباتی به دنیا می‌آید. نیم‌نخودک فرزند پدر و مادر فقیری است که سال‌ها در آرزوی داشتن فرزندی به سر برده‌اند. زمانی که مادر در حال پاک کردن ظرف پر از نخود است، این کودک شگفت‌انگیز که بعدها قهرمان قصه می‌شود، به دنیا می‌آید؛ به این ترتیب که یک دانه نخود از ظرف بیرون می‌افتد و از زیر پوستش یک لپه ظاهر می‌شود و با مادر خود سخن می‌گوید (خدیش، 1387: 530).

در افسانه‌های ژاپنی «مومتارو»، انسان - خدای کوتوله و مشهور، از شکوفه هلو هستی می‌یابد، زن و مرد بی‌فرزندى در رودی که از کوه جاری بود، شکوفه هلوئی یافتند و هنگامی که شکوفه را در خانه خویش گشودند، درون آن انسانی کامل و بسیار کوچک دیدند (پیگوت، 1384: 145).

ماجرای فرزندان شدن «زیادخان» بنابه روایتی چنین است که چون عده‌ای از بیگ‌ها به دلیل عقیم بودند زیادخان از او اطاعت نمی‌کنند، او مهمانی‌ای ترتیب می‌دهد و همه بیگ‌ها را دعوت می‌کند. زیادخان برای ایجاد تصور فرزند داشتن خود در دیگران، دستور می‌دهد تا چوبی را قنداق کرده، در گهواره (بشیک) بگذارند و پارچه‌ای روی آن بکشند. درحین مهمانی از بشیک صدای گریه‌ای بلند می‌شود. وقتی پارچه روی بشیک را کنار می‌زنند، به جای چوب کودکی در آن می‌بینند (درویشیان و خندان مهابادی، 1378). در این روایت، آفرینش «گرم» از چوب شبیه آفرینش «عاشیق له‌له» است. مادر عاشیق له‌له بچه‌دار نمی‌شد و به اطرافیان وانمود می‌کرد که باردار است. روزی سنگی را در گهواره قرار می‌دهد. وقتی شوهرش پارچه روی گهواره را کنار می‌زند، می‌بیند بچه‌ای در گهواره خوابیده است (همان‌جا).

در داستان «والمیکی و سیتا» نیز تولد کودک بدون منشأ پدر و مادر دیده می‌شود. دانشمندی به نام والمیکی دختری زیبارو به نام سیتا را به کلبه خویش می‌برد و از او نگهداری می‌کند. سیتا در این خانه فرزندش، لو، را به دنیا می‌آورد. روزی سیتا لو را با خود به صحرا می‌برد. چون والمیکی فرزند را نمی‌یابد، گمان می‌برد که او گم شده است. با دعای خویش مشتی کاه و گل را به جای کودک در گهواره می‌گذارد و به طور حیرت‌انگیزی می‌بیند کاه و گل به پسری به شکل لو تبدیل می‌شود. هنگامی که سیتا باز می‌گردد و همه چیز آشکار می‌شود، آن‌ها این ماجرا را به فال نیک می‌گیرند. نام پسر را کش می‌گذارند و والمیکی آن‌ها را بزرگ می‌کند. او با شنیدن داستان سیتا و سرگذشت ناگوارش، داستان «رام و سیتا» را به نام «رامین» می‌سراید و بر گوش دو کودک فرامی‌خواند (همان‌جا).

6. تولد قهرمان با یک منشأ (پدر یا مادر)

مهم‌ترین نمونه تولد قهرمان از یک منشأ، عیسی مسیح^(ع) است که به تصریح قرآن کریم و متون مقدس، بدون داشتن پدر به دنیا آمد. ازدیدگاه روان‌شناسی اسطوره، مسیح قهرمانی

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

است که اگرچه (آن‌گونه که رانک اذعان دارد) مراحل مشقت‌بار تولد را نپیموده و دست‌اندازهای آن را پشت سر نهاده، ماجراهای پیش از تولدش چنان اهمیتی دارد که همه زندگانی پر فراز و نشیبش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حرکت باورهای اسطوره‌ای را درمورد او هموارتر می‌کند.

در تولد قهرمان در فرایندی که حکایت از بکرزایی دارد، اهمیت مادر بیش از مواردی است که کودک بر اثر آمیزش اسطوره‌ای یا افسانه‌ای به دنیا می‌آید. به گفته کمپل (1389: 316)، بودا به شکل فیلی شیرین‌رنگ از آسمان به رحم مادرش فرود آمد. در نمونه‌های دیگر از این نوع تولد، خدا به شکل تویی ساخته‌شده از پر به‌سوی کواتلیکو²⁷ از قبیله آزتک که دامنی بافته‌شده از مار دارد، آمد. ژوپتر به شکل گاو نر، قو یا بارانی از طلا درآمد. هر برگ که از سر تصادف بلعیده شود، هر دانه و حتی نفس یک نسیم، برای بارور کردن رحم آماده باروری کافی است (همان‌جا). بنابراین، قدرت بارورکننده همه‌جا هست و با توجه به الگویی خاص و در ساعتی مقرر، قهرمانی ناجی یا دیوی نابودگر به وجود می‌آید.

گذشته از مسیح، داستان زندگی سلامان در *هفت‌اورنگ* جامی در مقایسه با دیگر قهرمانان داستان‌های عامیانه و پریان از باورهای اسطوره‌ای ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا او نیز از یک منشأ (پدر) به دنیا می‌آید. نطفه او در مکانی خارج از رحم مادر پرورده می‌شود و پس از نه ماه در قالب پسری نیکوروی با ویژگی‌های قهرمانانه به دنیا می‌آید. از این‌رو، مادر در زادن و تکاملش هیچ نقشی ندارد. داستان بدین ترتیب است که وقتی پادشاه، پدر کودک، توسط یکی از دانایان دربارش از قدرت ویرانگر و زیان‌بار زنان در چرخه هستی آگاه می‌شود و درمی‌یابد که زنان جز برای افروختن شهوت مردان آفریده نشده‌اند، بر آن می‌شود تا بدون شهوت نطفه را از پشت خود خارج کند و در محلی مانند رحم مادر نگه دارد. او در این کار موفق می‌شود و نام فرزند را به دلیل سلامتی پس از تولد، سلامان می‌گذارد. پس از تولد کودک، شاه دختری زیبارو به نام ابسال را به دایگی او برمی‌گزیند. وقتی سلامان به بیست‌سالگی می‌رسد، عاشق ابسال می‌شود.²⁸ بنابراین، سلامان با زایشی مانند مسیح و با تجربه تولدی که فقط یکی از طرفین (پدر و مادر) آن را رقم می‌زند، به دنیا می‌آید.

تصاویر بکرزایی در قصه‌های عامیانه هم، مانند اسطوره‌ها فراوان یافت می‌شود؛ از جمله قصه‌ای عامیانه و عجیب از کتاب *طوطی‌نامه* به نام «خنده ماهی». این داستان با وجود ظاهر

بی نهایت پوچش، با تقلیدی مضحک، به صورت ناخودآگاه درون مایه های اصلی زندگی قهرمان مانند بکرزایی، جست و جوی پدر، آزمون و اعمال قهرمانانه را مورد توجه قرار داده است. در این روایت، دختر بازرگانی از گرد جمجمه ای - که پدرش آن را در محلی نگه داشته است - می خورد و بار می گیرد و صاحب فرزند پسری می شود که از ویژگی های محیرالعقول برخوردار است.²⁹

7. تولد قهرمان با دو منشأ (پدر و مادر)

تعداد چشمگیری از قهرمانان داستان های عامیانه و قصه های پریان حاصل آمیزش پدر و مادر و در نتیجه تولد با دو منشأ اصلی هستند. در این قبیل تولدها نیز اهمیت ماجراهای پیش از تولد کودک و وقایع پس از آن بیشتر از چگونگی زایش است. در واقع، مهیا شدن فضای داستان و قصه برای تحقق مقوله تولد به دو شرط بستگی دارد:

1-7. تولد قهرمان منوط به ازدواج پادشاه با دختری از سرزمینی خاص

در کتاب *جامع الحکایات* چندین تولد مهم صورت می گیرد که تحقق همگی آن ها منوط به ازدواج پدر یا پادشاه جهاندار با دختری از سرزمینی دیگر است. منجمان دربار با گرفتن طالع پادشاه رنجور از نداشتن فرزند درمی یابند که طالع پادشاه برای برآورده شدن این نیاز در صورتی محقق می شود که با دختر پادشاهان سرزمین هم جوار یا دوردست ازدواج کند. یکی از این پادشاهان شاه اردشیر است که با وجود داشتن مال و مکنّت فراوان، از اندوه نداشتن فرزند آسوده نیست. یکی از طالع بینان او را به ازدواج با دختری زیبارو از شهری به نام ختا تشویق می کند. سرانجام شاه با شمسه بانو، دختر شمران شاه در ختا، ازدواج می کند؛ اما پیش از تولد کودکی که سال ها در انتظارش بوده، بر اثر بیماری درمی گذرد. در این داستان نیز مانند قصه «طوطی سفید» که فون فرانتس در کتاب *فرایند فردیت در قصه های پریان* بازگفته است، با خیانت وزیر روبه رو می شویم. او در اندیشه تصاحب تاج و تخت شاهی است؛ بنابراین تصمیم می گیرد ملکه و فرزندی را که در شکم دارد، از بین ببرد. شمسه بانو را به بیابانی می برد و می کشد. سپس برای از بین بردن فرزند شکم او را می درد؛ اما هنگام کشتن فرزند دو شیر از

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

دور به او حمله‌ور می‌شوند و او ناگزیر فرار می‌کند. در این هنگام، شیر ماده کودک را می‌گیرد و به او شیر می‌دهد.

در داستان عامیانه «دندان مروارید گیس‌گلاتون» نیز این رویکرد با شاخصه‌ها و خویشکاری‌هایی که راگلن در 22 مرحله مشهور خویش برای قهرمان تعریف می‌کند، دیده می‌شود.³⁰ سه خواهر به همسری پادشاهی درمی‌آیند. خواهر کوچک به واسطه هنرنمایی‌هایش مورد مهر و محبت شاه قرار می‌گیرد و از او آبستن می‌شود. او پس از نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه و نه ثانیه دو کودک همزاد به دنیا می‌آورد. دو خواهر دیگر به دلیل حسادت دسیسه‌ای می‌چینند و کودکان را درون صندوقی قرار داده، به آب می‌سپارند. باغبانی دو کودک را می‌یابد و آن‌ها را بزرگ می‌کند. روزی پادشاه کودکان را ملاقات می‌کند و درمی‌یابد که آن‌ها فرزندان‌ش هستند (هدایت، 1378: 277-279). در ادامه، اتفاقاتی در هر دو داستان رخ می‌دهد که بخش اعظم آن‌ها از پیش تعیین شده و بنابر موازین اسطوره‌ای داستان‌های تولد قهرمان شکل گرفته است. از میان تمام داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان، فقط این دو داستان به‌طور کامل با الگوی لرد راگلن برابرند و در آن‌ها شالوده‌های اساطیری دیده می‌شود. سرنوشت کودک در داستان اول که بعدها شیرزاد نام می‌گیرد، با همان اصول و معیارهایی رقم زده می‌شود که راگلن در کتاب **قهرمان** در یک الگوی 22 مرحله‌ای بررسی کرده است (خدیش و جعفری، 1390: 182-198). در داستان مشابه دیگری از همین کتاب، پادشاه شهر ختا به نام اقباس‌شاه با وجود مال و ثروت فراوان از نداشتن فرزند در رنج و اندوه به‌سر می‌برد. طالع‌بینان و منجمان دربار با دیدن طالع او، راه چاره را در ازدواج با دختر پادشاه فارس می‌یابند. آنان براین باورند که حاصل این ازدواج فرزند پسری است که اگرچه در ابتدای جوانی جور و جفای بسیاری تحمل می‌کند، در اواخر عمر پادشاهی می‌شود که مانندش در همه عالم دیده نشده است. در پی این پیش‌بینی، پادشاه با سلیمه‌بانو، دختر شاه فارس، ازدواج می‌کند و صاحب فرزند زیبایی به نام شاهزاده قاسم می‌شود. سرنوشت این کودک قهرمان همان است که منجمان پیش از تولدش پیش‌بینی کرده بودند (همان، 64-76).

در داستان عامیانه **مهر و ماه**، بنابه گفته منجمان، خاورشاه در صورت ازدواج با پریان صاحب فرزند می‌شود. او پس از تلاش فراوان با یکی از پریان به نام روزافزون ازدواج می‌کند و صاحب فرزندی به نام مهر می‌شود که در ادامه داستان برای یافتن ماه - دختر زیبای پادشاه

مغرب که با دیدن تصویری به او دل باخته است - کارهای قهرمانانه بسیاری انجام می‌دهد (اسلام‌پناه، 1389: فشرده‌ای از همه کتاب).

در داستان «جام و آینه و پنبه» که در کتاب *فرهنگ افسانه‌های مردم ایران* آمده است، پادشاهی از سخنان رمالان دربارش متوجه می‌شود که در صورت ازدواج با دختر وزیر، صاحب پسری می‌شود که باید محمد نام بگیرد (درویشیان و خندان مهابادی، 1378: 215).

در دنیای پر رمز و راز و شگفتی محور *هزار و یک شب* کودکان بسیاری با موقعیت‌ها و سرنوشت‌های مختلف به دنیا می‌آیند. در این کتاب نیز مانند *جامع‌الحکایات* و دیگر روایت‌های عامیانه و قصه‌های پریان، کنش قهرمانی کودک پس از رسیدن به دوره بلوغ و آغاز مرحله تشریف در مقایسه با چگونگی تولد او و سپری شدن دوران کودکی‌اش، اهمیت خاصی دارد. این کتاب عرصه‌ای برای رشد و حرکت قهرمان به سوی اعمال قهرمانی پدید می‌آورد؛ بنابراین رفتارهای خارق‌العاده او و واکنش به آنچه سرنوشت محتوم در برابرش نهاده است، اهمیتی بنیادین دارد. قهرمانان این کتاب تولدی معمولی دارند، به گونه‌ای شگفت‌انگیز و خارج از مقوله زمان متعارف رشد می‌کنند و پس از آن به کارهای قهرمانانه‌ای که خویشکاری اصلی آن‌هاست، می‌پردازند.

شهرمان‌شاه پادشاه ثروتمندی است که صد زن و کنیز دارد؛ اما از هیچ‌یک صاحب فرزند نمی‌شود. او در میانه داستان برحسب تصادف با دختری به نام جلنار بحریه، دختر پادشاه بحر، آشنا می‌شود و پس از گذراندن مراحل، صاحب فرزندی به نام بدریاسم می‌شود (طسوجی، 1390: 1710/2).

طیقموس، پادشاه کابل، نیز باید با دختر پادشاه خراسان ازدواج کند تا صاحب فرزند شود. این کار با تلاش بسیار شاه، وزیر و اطرافیان انجام می‌شود و در نتیجه آمیزش شاه با دختر شاه خراسان، جانشاه به دنیا می‌آید که با دیدار با ملکه ماران در کتاب *هزار و یک شب* یکی از شگفت‌انگیزترین سرنوشت‌ها را رقم می‌زند (همان، 1198 به بعد).

2-7. به دنیا آمدن قهرمان در زمان کهولت پدر و اهمیت خوردن سب

در تعدادی از روایت‌های داستانی *هزار و یک شب*، قهرمان زمانی به دنیا می‌آید که پدر و مادر دوران کهولتشان را سپری می‌کنند و پدر از نداشتن فرزند بسیار اندوهگین است. از

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

آنجا که داستان‌های کتاب با توجه به محوریت قهرمان شکل گرفته‌اند، مواردی از این قبیل در زمره حواشی است و حتی نحوه بارگیری مادر یا چگونگی به دنیا آمدن فرزند اهمیت چندانی ندارد. نکته درخور توجه در این قبیل روایت‌ها، کارهایی است که این فرزند در نیمه دوم زندگانی‌اش انجام می‌دهد. از حکیم یونانی کهن سالی در واپسین سال‌های عمر، فرزندی به نام حاسب کریم‌الدین به دنیا می‌آید که شگفتی‌های بی‌مانندی در دنیای هزار و یک شب خلق می‌کند (همان، 1169 به بعد). در این کتاب، پادشاه پیری به نام ملک‌گندم نیز در روزگار پیری صاحب فرزند شگفت‌انگیزی به نام عجیب می‌شود که روایت زندگی‌اش حیرت مخاطب را برمی‌انگیزد (همان، 1468 به بعد). همچنین، پدر علاءالدین ابوشامات در پیری صاحب فرزندی به نام علاءالدین می‌شود که سرگذشت خارق‌العاده‌ای در میان قهرمانان این کتاب دارد (همان، 745/1 به بعد).

تمام فرزندان پسرانی که با این تمهید به دنیا می‌آیند، با دیدن تصویر دختر زیارویی یا شنیدن اوصافش - بدون اینکه او را ببینند - دل‌باخته او می‌شود. همگی آنان برای رسیدن به این دختر زیارو مرارت‌های بی‌شمار عشق را تاب آورده، در پایان به هدف خود دست می‌یابند: شیرزادشاه عاشق خورشیدبانو می‌شود؛ جانشاه برای رسیدن به شمس سحسی‌های مهلکی را به جان می‌پذیرد؛ مهر با مسائلی که پیش از تولدش داشت، به مرد بالغی تبدیل می‌شود و بر ماه که آوازه زیبایی‌اش را شنیده است، عاشق می‌شود؛ شاهزاده قاسم تمام عمرش را برای رسیدن به شاه‌بانویی زیبا به نام گوهربانو صرف می‌کند؛ ملک محمد درمقابل صنم گل‌عذار نرد عشق می‌بازد.

آبستن شدن با خوردن سیب، بن‌مایه‌ای رایج در افسانه‌های ملل است که آرنه و تامپسون آن را با کد جهانی 302 و 303 ثبت کرده‌اند (مارزلف، 1371: 77). در بسیاری از داستان‌های عامیانه مانند «چل گزه‌مو» شرط دیگری به جز ازدواج با دختری خاص برای پادشاه وجود دارد تا در صورت اجرای آن، صاحب فرزند پسری شود. در این داستان، درویشی پادشاه را به هفت شبانه‌روز سفره انداختن برای فقیران و غذا دادن به آن‌ها توصیه می‌کند. او این کار را انجام می‌دهد و به پادشاه آن، صاحب فرزند پسری می‌شود که در آینده با دختری زیبا به نام چل گزه‌مو ازدواج می‌کند (درویشیان و خندان مهابادی، 1378: 385). اما در مواردی نیز پادشاه و همسرش به خوردن سیبی برای فرزنددار شدن سفارش می‌شوند.

در فرهنگ نمادها، سیب از مهم‌ترین و نمادین‌ترین نمادهای نباتی در طول زندگی اسطوره‌ای و تاریخی بشر است. سرلو در **فرنگ نمادها**³¹ این میوه را به علت شکل گُروی‌اش، نمادی از تمامیت، آرزوهای زمینی، بینش و آگاهی می‌داند. این میوه به دلیل ارتباط با داستان «آدم و حوا» و مسئله هبوط از بهشت در متون مقدس، همواره تمایل به زندگی زمینی را نمایان می‌کند (سرلو، 1389: 507). آن‌گونه که کارل آبراهام در مقاله «رؤیا و اسطوره» بیان می‌کند، این میوه رمز ممتازی از لحاظ جنسی، و نمودگار بارداری زن است (آبراهام، 1391: 67). از نظر نمادگرایی، سیب در چند مفهوم ظاهراً متمایز که کمابیش با هم ارتباط دارند، به کار می‌رود. از میان این مفاهیم دو نمونه یاد می‌شود: «سیب نفاق» که پاریس مسئول دادن آن شد و «سیب غزل‌ها» که طبق تأویل اریگنس باروری، طعم و عطر کلمه الله است. در تمام این موارد، سیب ابزار معرفت و شناخت، میوه درخت زندگی و گاهی میوه درخت شناخت نیک و بد است. براساس سخن شوالیه و گربران (1378: 700)، در اساطیر اسکاندیناوی سیب نقش میوه توالد و جوان‌کننده را برعهده داشت. خدایان سیب می‌خوردند و تا «راگناروک»، یعنی تا واقعه آخر زمان یا پایان عصر کیهانی فعلی زنده می‌ماندند. جی. سی. کوپر (1379: 214) در کتاب **فرهنگ نمادهای سنتی** این میوه را نماد باروری، عشق، شادمانی، معرفت و الوهیت می‌داند. به زعم او، اهدای سیب اهدای عشق است و پیوسته شکوفه‌های آن به منظور باروری استفاده می‌شود.

در داستانی از **جامع‌الحکایات** و همچنین تعداد زیادی از روایت‌های عامیانه، بار گرفتن مادر درگرو خوردن نیمه‌ای از سیبی است که درویشی به پدر قهرمان می‌دهد و خود ملزم به خوردن نیمه دیگر آن است. این واقعه با همین ویژگی‌ها در این کتاب برای پادشاه چین که فردی با مال و حشم بی‌شمار بود و در اندوه نداشتن فرزند به سر می‌برد، پیش آمد. پادشاه با عمل کردن به توصیه درویش، صاحب فرزندی به نام ملک محمد می‌شود. فرزند پس از هجده سالگی با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شود و برای رفع آن‌ها مرارت‌های زیادی را تحمل می‌کند و مدتی نیز از پدر دور می‌ماند؛ اما سرانجام اقبال شاهی به او روی می‌آورد و به خواسته‌هایش می‌رسد (خدیش، 1390: 19-31). این ماجرا با همین ویژگی‌ها در بسیاری از داستان‌های عامیانه نیز دیده می‌شود. در پنج داستان، پادشاهان سال‌خورده

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

به‌همراه همسرانشان با خوردن سیبی فرزندان می‌شوند و قهرمانانی را در یک زایش معمولی، اما با ماجراهایی پس از تولد به دنیا می‌آورند.³² در داستان «درزی و شاهزاده» نیز همسر درزی پس از سال‌ها، با خوردن سیبی باردار می‌شود و کدویی به دنیا می‌آورد که دختری در آن پنهان است. پسر پادشاه عاشقش می‌شود و پس از ماجراهایی با او ازدواج می‌کند (بهرنگی و دهقانی، 1358: 47). در حکایت «سنگ صبور» نیز توصیه خوردن سیب از سوی درویش باعث تولد دختری به نام فاطمه با سرنوشتی شگفت‌انگیز می‌شود که به‌همراه پدر و مادر برای دوری از تحقق ندایی غیبی که مدام در گوش او می‌گوید: «نصیب مرده فاطمه»، شهر خود را ترک می‌کند. او در مسیر پر پیچ و خم سرنوشتش با موانع و طلسم‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود؛ اما در پایان با گشادن بزرگ‌ترین طلسم موفق به نجات پسر پادشاه و ازدواج با او می‌شود (خدیش، 1387: 582).

نکته درخور توجه در خوانش این داستان‌ها این است که در اغلب حکایت‌های *جامع‌الحکایات و هزار و یک شب*، ستاره‌شناسان و طالع‌بینان پادشاه را از راز فرزندان‌دار شدن آگاه می‌کنند که در مواردی، این آگاهی ملزم به ازدواج با دختری از سرزمینی دیگر است. برای تحقق چنین هدفی، وزیر تلاش می‌کند تا شاه بتواند فرزندی برای جانشینی‌اش بر جای بگذارد. در قصه‌های عامیانه، این نقش برعهده درویش ساده‌دلی است که برحسب تصادف با شاه مواجه می‌شود و در برخی موارد از اندوه شاه به دلیل نداشتن فرزند آگاه است. در تمام روایت‌ها، راهکار درویش به پادشاه، خوردن سیب است که به تولد شاهزاده‌هایی مانند مهرآفرین، شاهزاده ابراهیم و شاهزاده اسماعیل، و دختر مشهور پادشاه چین در داستان‌های «درویش جادوگر»، «شاهزاده ابراهیم و شاهزاده اسماعیل» و «درویش و دختر پادشاه چین» منجر می‌شود.

8. نتیجه

در داستان‌های اسطوره‌ای معمولاً قهرمانان از والدینی برجسته متولد می‌شوند که در مواردی نیز شاهزاده‌اند. تولد آنان با مشکلات و موانع بسیاری مانند خویشنداری والدین، نازایی یا محدودیت‌هایی در آمیزش روبه‌رو است. در دوران بارداری،

هشدارهایی مبنی بر احتیاط در برابر تولد این کودک در قالب یک خواب یا نوعی پیشگویی دیده می‌شود. گاهی خطرهایی پدر یا نماینده او را تهدید می‌کند. این کودک در موارد مکرر درحالی که درون یک سبد یا جعبه جای داده می‌شود، به آب سپرده می‌شود. گاهی حیوانات او را نجات می‌دهند و گاهی به وسیله والدینی فرودست (مانند چوپان‌ها) پرورش می‌یابد. در مواردی هم حیوانی ماده یا زنی گمنام به آن‌ها شیر می‌دهد. پس از آنکه قهرمان بزرگ می‌شود، به شیوه‌های مختلفی والدین نامدارش را می‌یابد. در برخی موارد از پدرش انتقام می‌گیرد و گاهی نیز از اصل داستان آگاه می‌شود و به افتخارات و موقعیت‌های بی‌نظیری دست می‌یابد.

داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان رابطه‌ای تنگاتنگ با روایت‌های اسطوره‌ای دارند و به‌ندرت مرزبندی مشخصی میان آن‌ها دیده می‌شود. اما به این نکته نیز باید توجه کرد که اصالت هاله‌های نمادین و مرکزیت خوانش نمادین در مسئله تولد قهرمان وجود ندارد؛ زیرا در این قبیل داستان‌ها اعمال قهرمانانه بر تولد قهرمان می‌چربد و فقط به زمینه‌های ناهموار و نامساعدی اشاره می‌شود که در آن کودک پا به جهان ناشناخته می‌گذارد. قدر مشترک تمام این داستان‌ها و حکایت‌های هزار و یک شب و جامع‌الحکایات این است که در بسیاری از آن‌ها عناصر اسطوره‌ای جای خود را به عناصر فولکلوریک می‌دهند. برای نمونه، از پیشگویی نمادین در داستان‌های اسطوره‌ای یاد می‌کنیم که در روایت‌های عامیانه در موارد بی‌شماری، درویش خوردن سببی را به والدین قهرمان توصیه می‌کند. با این تمهید، می‌توان گفت در تعدادی از این قبیل داستان‌ها موانعی در تولد کودک هست که گاهی مربوط به کهولت پدر و مادر یا یکی از آن‌هاست. داستان زندگی قهرمانانی مانند حاسب‌کریم‌الدین، علاءالدین ابوشامات، مهرآفرین، فاطمه و غیره بر این نکته تأکید می‌کند که در زندگی این‌ها اعمالی که پس از دوره بلوغ و - آن‌گونه که یونگ اذعان دارد - در نیمه دوم زندگی قهرمانان روی می‌دهد، اهمیت محوری دارد. بدیهی است که در چنین موقعیتی تحلیل روان‌کاوانه و اسطوره‌مدار - آن‌گونه که در داستان‌های اسطوره‌ای مطرح است - دیده نمی‌شود و بیشتر با ماجراهای محیرالعقول و عامه‌پسندی روبه‌رویم که در آن

طبقه‌بندی انواع خویشکاری تولد قهرمان ... _____ نسرين شكيبي ممتاز و همكار

سلسله‌ای از رفتارهای مشابه که خویشکاری‌های قهرمان را رقم می‌زنند، بر زایش قهرمان و نحوه رشد و پرورش او پیشی می‌گیرند.

جدول 1 تولد قهرمان در افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان

نام داستان	تولد بدون منشأ پدر و مادر	تولد با یک منشأ	ازدواج پادشاه با دختری خاص برای تولد قهرمان	تولد قهرمان در زمان کهولت پدر	خوردن یک سبب برای تولد قهرمان	منبع روایت
نیم‌نخودک	*					ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
سلامان و ايسال		*	*			هفت‌اورنگ
خنده ماهی	*		*			طوطی‌نامه
شیرزاد و شمسه‌بانو			*			جامع‌الحکایات
دندان مروارید گیس‌گلاتون			*			فرهنگ عامیانه مردم ایران
اقباس شاه و گوهربانو			*			جامع‌الحکایات
مهر و ماه			*			داستان مهر و ماه
جام و آینه و پنبه			*			فرهنگ افسانه‌های مردم ایران
حاسب‌کریم‌الدین				*		هزار و یک شب
بدرباسم و جوهره			*			هزار و یک شب
جان‌شاه و شمسه				*		هزار و یک شب
علاء‌الدین ابوشامات				*		هزار و یک شب

ادامه جدول 1

داستان عجیب و غریب			*		هزار و یک شب
چل گزمه			*		فرهنگ افسانه‌های مردم ایران
داستان ملک محمد					جامع‌الحکایات
درزی و شاهزاده			*		افسانه‌های آذربایجان
سنگ صبور			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
مهرآفرین			*		جامع‌الحکایات
شاهزاده ابراهیم و اسماعیل			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
درویش جادوگر			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
درویش و دختر مشهور پادشاه چین			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
جوان تیغ			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی
پرندۀ آبی			*		ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی

پی‌نوشت‌ها

1. myth
2. legend
3. tale
4. B. Malinowski
5. "Myth in Primitive Psychology"
6. *The Hero with a Thousand Faces*

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان ... _____ نسرین شکیبی ممتاز و همکار

7. *The Interpretation of Dreams*

8. اتو رانک (10: 2011) در کتاب *اسطوره تولد قهرمان* تفسیر دیگری از داستان ادیپوس به دست می‌دهد. او بر آن است که ادیپ که پدر را کشت و با مادر ازدواج کرد و به صورت فردی پیر و کور از دنیا رفت، یک قهرمان خورشیدی است؛ زیرا به وجود آورنده خود، یعنی پدر را از بین می‌برد (= تاریکی) و تخت خود را با مادر قمست می‌کند (= تاریکی و روشنایی). او مکانی را که در آن به دنیا آمد، با کوری ترک می‌کند و این عمل با طلوع و غروب خورشید همسان و همانند است. چنین تفسیری اگرچه از ضابطه‌های جهان علم به دور است، از حقیقتی ذهنی خبر می‌دهد که وقوع آن در حیطه روان ناخودآگاه امکان‌پذیر است. از این رو، آرامش‌بخش ذهن است و از الهام حقیقتی خبر می‌دهد که قاتل را برمی‌انگیزد تا در مقابل نزدیک‌ترین بستگانش دست به شورش بزند که در اغلب موارد ناآگاهانه است.

9. Edward B. Taylor
10. *Primitive Culture*
11. Otto Rank
12. *The Myth of the Birth of the Hero*
13. consciousness
14. unconscious
15. individuation
16. rebirth
17. Bruno Bettelheim
18. *The Uses of Enchantment*
19. Geza Roheim
20. Jacob Arlow
21. Von Frantz
22. projection
23. myth centric
24. archetype
25. the process of individuation
26. احتمال دارد در افسانه‌های عامیانه و قصه‌های پریان ملل دیگر همان سبک و سیاق اسطوره‌ها وجود داشته و تولد قهرمان از ارزش‌های اسطوره‌ای و به تبع آن روان‌شناختی برخوردار باشد. ماری لوئیز فون فرانتس (1383: 12-14) در کتاب *فرایند فردیت در قصه‌های پریان* به قصه‌ای اسپانیایی موسوم به «طوطی سفید» اشاره می‌کند که در آن

اشراف‌زاده‌ای جوان عاشق دختری زیبا اما تنگ‌دست می‌شود و عشق پرشور او به ازدواج با دختر می‌انجامد. پس از مدتی مرد جوان مجبور می‌شود در یک جنگ خارجی شرکت کند. او پیش از رفتن به جنگ، همسر باردارش را به سرپیش خدمت خود می‌سپرد تا به مراقبتش بپردازد. سرپیش خدمت عاشق زن جوان می‌شود و کوشش می‌کند او را بفریزد؛ اما زن جوان دست رد به سینه‌اش می‌زند. سرپیش خدمت به حدی خشمگین می‌شود که وقتی فرزندان دوقلوی این زن به دنیا می‌آیند، نامه‌ای به اشراف‌زاده می‌نویسد و در آن زن را متهم می‌کند که با مرد سیاه‌پوستی رابطه داشته و هر دو کودک متعلق به آن مرد هستند. اشراف‌زاده پس از خواندن نامه دستور می‌دهد هر دو بچه را بکشند و مادرشان را زندانی کنند. به دستور او، زن جوان روانه زندان می‌شود؛ ولی سرپیش خدمت در کشتن بچه‌ها تردید می‌کند و هر دو را در پارچه‌ای ابریشمین می‌پیچد و درون جعبه‌ای شیشه‌ای قرار می‌دهد و به رودخانه می‌اندازد. پیرمرد ماهیگیری جعبه را پیدا می‌کند و بچه‌ها را به خانه‌اش می‌برد. کودکان با توجه به الگوهایی که اسطوره برای چنین تولدهایی ارائه می‌دهد، بزرگ می‌شوند و با بر ملا شدن حیلۀ سرپیش خدمت و نجات مادر به خانه بازمی‌گردند.

27. Coatlicue

28. فشرده این داستان در *هفت‌اورنگ* جامی چنین است:

کرد چون دانا حکیم نیک‌خواه	شهوت و زن را نکوهش پیش شاه
ساخت تدبیری به دانش‌کاندران	ماند حیران فکرت دانشوران
نطفه را بی‌شهوت از صلبش گشاد	در محلی جز رحم آرام داد
بعد نه مه گشت پیدا زان محل	کودکی بی‌عیب و طفلی بی‌خلل
غنچه‌ای از گلبن شاهی دمید	نخنه‌ای از ملک آگاهی رسید
چون ز هر عیش سلامت یافتند	از سلامت نام او بشکافتند
سالم از آفت تن و اندام او	ز آسمان آمد سلامان نام او
چون نبود از شیر مادر بهره‌مند	دایه‌ای کردند بهر او پسند
دلبری در نیکویی ماه تمام	سال او از بیست کم ابسال نام

(1368: 331)

29. داستان از این قرار است که روزی بازرگانی از قبرستان آبادی عبور می‌کند. در میان قبرستان جمجمه خشکیده غلتانی را روی زمین می‌بیند که می‌گوید: «چهل خون کرده‌ام، چهل خون دیگر هم خواهم کرد». مرد بازرگان حیرت می‌کند و اوقاتش تلخ می‌شود که چطور یک جمجمه خشکیده می‌تواند چهل خون بکند. پیش می‌رود و به جمجمه لگد می‌زند؛ ولی جمجمه باز می‌غلند و جمله اول را تکرار می‌کند. بازرگان تصمیم می‌گیرد جمجمه را بردارد و از آن نگهداری کند و ببیند که چگونه چهل خون خواهد کرد. به خانه می‌رود و جمجمه را در هاون می‌کوبد و گرد آن را در گوشه‌ای آویزان می‌کند. در همین زمان، برای او سفر مهمی پیش می‌آید. در غیاب پدر، دختر بازرگان به دل‌درد شدیدی مبتلا می‌شود؛ آن‌چنان که هیچ طبیبی درمانش را نمی‌یابد. شبی که دخترک از درد شکم خواب نداشت و دست به دیوار گذاشته بود و در مطبخ می‌گشت، دستش به کیسه حاوی گرد جمجمه می‌خورد و چون فکر می‌کند دارو است، مقداری از آن را در دهان می‌گذارد. درد دخترک با خوردن گرد جمجمه تسکین می‌یابد؛ اما چندی نمی‌گذرد که نشانه‌های بارداری در او پدیدار می‌شود. او پس از نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه پسری به دنیا می‌آورد که از همان اوایل کودکی ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دارد (نخشی، 1372: 200-204).

30. راگلن در کتاب **قهرمان** از 21 قهرمان اسطوره‌ای نام می‌برد که در یک الگوی 22 مرحله‌ای اسطوره قهرمان را رقم می‌زند. این مراحل عبارت‌اند از: 1. مادر قهرمان باکره‌ای از خاندان سلطنتی است، 2. پدرش پادشاه است، 3. اغلب از خویشاوندان نزدیک مادر وی است، 4. آمیزش آنان برای به وجود آوردن قهرمان با موانعی همراه است، 5. او در عین حال می‌تواند فرزند یکی از خدایان باشد، 6. در زمان تولد قهرمان، معمولاً پدر یا پدربزرگ می‌خواهند او را از بین ببرند، 7. او مخفیانه نجات می‌یابد، 8. توسط والدین رضاعی در سرزمینی دوردست پرورش می‌یابد، 9. از دوران کودکی قهرمان آگاهی چندانی نداریم، 10. به محض اینکه به سن بلوغ می‌رسد، به قلمرو پادشاهی آینده‌اش بازمی‌گردد یا برای نخستین بار رهسپار آنجا می‌شود، 11. بر پادشاه، غول، اژدها یا حیوانی درنده پیروز می‌شود، 12. با شاهزاده‌ای که اغلب دختر یکی از نیاکانش است، ازدواج می‌کند، 13. به پادشاهی می‌رسد، 14. برای مدتی طولانی بدون مشکل حکومت می‌کند، 15. قوانینی وضع می‌کند، 16. کمی بعد، عنایت خدایان و مال و اموالش را ازدست می‌دهد، 17. از تاج و تخت دور و از شهر

تبعید می‌شود. 18. به مرگی مرموز می‌میرد. 19. مرگی که اغلب بر فراز دره است. 20. فرزندان - البته اگر فرزندی داشته باشد - جانشین او نمی‌شوند. 21. بدن او را به خاک نمی‌سپارند. 22. با این حال، یک یا چند آرامگاه مقدس دارد (Segal, 1998: 195-200).

31. *A Dictionary of Symbols*

32. برای آگاهی بیشتر ر.ک: داستان‌های «جوان تیغ» (خدیش، 1378: 198)، «درویش جادوگر» (همان، 215)، «شاهزاده ابراهیم و شاهزاده اسماعیل» (همان، 218)، «پرنده آبی» (همان، 303) و داستان «درویش و دختر پادشاه چین» (همان، 381).

منابع

- آبرامز، ام. اچ. و جفری گالت هر فم (1387). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان. پیشگفتاری از میرجلال‌الدین کزازی. تهران: رهنما.
- اسلام‌پناه، محمدحسین (1389). *قصه مهر و ماه*. تهران: نشر چشمه.
- اسنودن، روت (1389). *خودآموز یونگ*. ترجمه نورالدین رحمانیان. تهران: آشیان.
- بتلهایم، برنو (بی‌تا). *کاربردهای افسون*. ترجمه کاظم شیوارضوی. تهران: مؤلف.
- بهرنگی، صمد و بهروز دهقانی (1358). *افسانه‌های آذربایجان*. تهران: دنیا.
- پراپ، ولادیمیر (1368). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- _____ (1371). *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- پیگوت، ژولیت (1384). *اساطیر ژاپن*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (1368). *هفت‌اورنگ*. به تصحیح و مقدمه آقامرتضی مدرس گیلانی. تهران: سعدی.
- خدیش، پگاه و محمد جعفری (قنواتی) (1390). *جامع‌الحکایات*. تهران: مازیار.
- خدیش، پگاه (1387). *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی*. تهران: علمی و فرهنگی.

طبقه‌بندی انواع خویشتکاری تولد قهرمان ... _____ نسرين شكيبي ممتاز و همكار

- درویشیان، علی‌اشرف و رضا خندان مهابادی (1378). *فرهنگ افسانه‌های مردم ایران*. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- درویشیان، علی‌اشرف (1391). «اصلی و کرم» در *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. ج 1. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دلاشو، م. لوفر (1368). *زبان رمزی افسانه‌ها*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- ذوالفقاری، حسن (1389). «ریخت‌شناسی افسانه عاشقانه "گل بکاولی"». *فنون ادبی*. دانشگاه اصفهان. س 2، ش 1. صص 49-62.
- ستاری، جلال (1391). *جهان اسطوره‌شناسی (مجموعه مقاله)*. ج 1. تهران: نشر مرکز.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (1378). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضایی و علیرضا سید احمدیان. تهران: جیحون.
- طسوجی، عبداللطیف (1390). *هزار و یک شب*. تهران: هرمس.
- فروید، زیگموند (1385). *تفسیر خواب*. ترجمه شیوا رویگریان. تهران: نشر مرکز.
- فریزر، جیمز جرج (1388). *شاخه زرین، راز*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- فوردهام، فریدا (1389). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ*. ترجمه مسعود میربها. تهران: جامی.
- فون فرانس، ماری لوییز (1383). *فرایند فردیت در افسانه‌های پریان*. ترجمه زهرا قاضی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کمپبل، جوزف (1389). *قهرمان هزارچهره*. ترجمه شادی خسروپناه. تهران: گل آفتاب.
- کوپر، جی.سی. (1379). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.
- هدایت، صادق (1378). *فرهنگ عامیانه مردم ایران*. گردآوری جهانگیر هدایت. تهران: نشر چشمه.
- نخشبی، ضیاء (1372). *طوطی‌نامه*. تصحیح فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا. تهران: منوچهری.
- مارزلف، اولریش (1372). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: سروش.

- یاوری، حورا (1386). *روانکاوی و ادبیات*. تهران: سخن.
- Bettelheim, Bruno (1977). *The Uses of Enchantment*. New York: Vintage Books.
- Rank, Otto (2011). *The Myth of Birth of the Hero (A psychological Interpretation of Mythology)*. Martino Publishing, Manfield Center.
- Malinowski, Bronislow (1962). *Myth in Primitive Psychology in Magic, Science and Religion and other Essays*. Norton, Incorporated.
- Segal, Robert (1998). *The Myth and Ritual Theory an Anthology*. Blackwell Publisher.
- Taylor, Edward B. (1871). *Primitive Culture*. Vol. 1. London.
- Von Franz, Marie Louise (1996). *The Interpretation of Fairy Tales*. Boston and London: Shambhala.